

گفتمان های دانش در ارتباطات انسانی خانواده

بنیتا سالک آزاد^۱

باقر ساروخانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۰۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۱۲/۲۴

چکیده

مقاله حاضر در صدد این است تا بر روی خلق و تولید گفتمان های ارتباطات انسانی در خانواده متمرکز گردد. بنابراین با مورد مذاقه قرار دادن عناصر شکل گیری رویکردهای معاصر جامعه شناسی و تمرکز بر آنها، فرآیند شکل گیری، خلق و تولید دانش (معرفت) گفتمان های ارتباطات خانواده را مورد بررسی قرار می دهد. توجه به ابعاد مکان و زمان برای تبیین تولید گفتمان ها که از مهمترین ابعاد رویکردهای تلفیقی جامعه شناسی معاصر (یا رویکرد رابطه ای) می باشند. تحلیل در ابعادی بیشتر از تحلیل در فضای علی. توجه به کل (هم سطوح خرد و سطوح کلان). بی حرکتی به سوی تعمیم. و استفاده از نظریه آشفتگی برای توضیح امور تکرار شونده، از مختصات این تحلیل می باشد. در این پژوهش از روش تئوری زمینه ای استفاده شده است. برای تحلیل داده های جمع آوری شده از خانواده های مناطق ۲۲ گانه تهران از روش تحلیل کمی داده ها (تحلیل عاملی) برای دسته بندی و تأیید مقوله سازی ها و ساختن قضایای تئوری زمینه ای استفاده گردیده است. فرآیند تولید گفتمان های ارتباطات انسانی خانواده شامل مراحل: اصل جاری شدن گفتمان ها. خروج از انتزاع (سخن بر سر خط). ایجاد آئین های الزام آور (سخن بر سر قرائت). و ایجاد ساختارهای میانجی (سخن بر سر مبادله) می باشد. در این مقاله سعی شده است تا بر روی گفتمان های ارتباطی خانواده متمرکز شود.

واژگای کلیدی: گفتمان های ارتباطات، ساختارهای میانجی، قضایای تئوری.

^۱ - دانش اموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسؤول
Email: salek_benita@hotmail.com)

^۲ - استاد گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

از آنجائی که تغییرات اجتماعی وسیعی در سطح جامعه باعث تغییرات شگرفی در ارتباطات درون خانواده و همچنین بیرون از آن گردیده است، همچنین شاخص‌های در حال گذار جامعه باعث گردیده است که یکی از مهمترین نهادهای جامعه که همان خانواده می‌باشد، دستخوش التهابات و بحران‌های وسیعی گردد، به نظر می‌رسد لزوم انجام پژوهش‌هایی در راستای شناخت این تغییرات برای جامعه ایران بسیار ضروری است.

این مقاله بر اساس پژوهشی در زمینه گفتمان‌های ارتباطات انسانی در خانواده تهرانی به منظور ارائه مدل فراگفتمانی ارتباطات انسانی خانواده تهیه گردیده است. هدف این مقاله بر این اساس استوار است تا نشان داده شود که گفتمان‌های دانش در ارتباطات انسانی خانواده در تهران در حال شکل‌گیری است. از آن جهت شاخص‌های گفتمان که عبارتند از عوامل کنترل‌کننده داخلی گفتمان، عوامل کنترل‌کننده خارجی گفتمان، قواعد کاربست گفتمان‌ها و در نهایت واقعیت تولید گفتمان در خانواده‌های تهرانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

متغیرهای تعیین‌کننده ارتباطات انسانی، خود از گفتمان‌ها نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر گفتمان‌ها هستند که تعیین می‌کنند که هر یک از متغیرهای سن، جنس، تحصیلات و غیره متضمن چه نوع رفتارهای ارتباطی در محیط خانواده می‌باشند و افراد بایستی که قواعد مربوط به هر یک را مراعات نمایند. اما این متغیرها سرمایه‌های افراد را افزایش می‌دهند. به عبارت دیگر سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین توسط این متغیرها تعیین می‌گردند. کلیه افراد جامعه میزانی از تمامی این چهار نوع سرمایه را دارا می‌باشند ولی تلاش می‌نمایند تا در هر یک از این چهار حوزه، سرمایه خویش را افزایش دهند. سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و نمادین باعث می‌گردد که ارتباطات خانوادگی درون خانواده بیشتر از نوع محاوره‌ای باشد تا انطباق با هنجارهای جامعه. آنانی که سرمایه‌های فرهنگی بالاتری دارند، یعنی میزان بالاتری از هنجارها و ارزش‌های جامعه را می‌شناسند، ولی از سرمایه‌های اجتماعی یا نمادین کمتری برخوردارند، ارتباطات خانوادگی از نوع انطباقی را بیشتر انتشار می‌دهند و از آن تبعیت می‌نمایند.

عوامل کنترل‌کننده‌ی خارجی خانواده شامل حقیقت و خطا، تقسیم بندی و نخواستگی و ممنوعیت در خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر تفکیک کردن زن - مرد در انجام وظایف هر یک، چه در مقابل اعضای خانواده و چه در مقابل یکدیگر، تفکیک جنسی دختر- پسر در خانواده، ممنوعیت بعضی از رفتارهای درون و بیرون از خانواده که توسط خانواده تعیین می‌شوند، مانند تفاوت و ممنوعیت‌های ارتباطی برای بعضی از اعضای خانواده مانند دختران و زنان در مقابل پسران و مردان و هم اینکه آیا تفاوت‌های میان زنان و مردان - مانند پدرسالاری - یک حقیقت است و یا اینکه از گفتمان‌ها منتج شده است، می‌باشد.

عوامل کنترل‌کننده‌ی داخلی خانواده شامل مواد علمی - مؤلف و تفسیر می‌باشد. بدین معنا که خود افراد در درون خانواده، انواع ارتباطات درون خانواده را بازتعریف می‌نمایند. به طور مثال در صورتی که در جامعه مشخص شده باشد که ممنوعیتی برای زنان در مورد انجام بعضی از کارها وجود داشته باشد، خود زنان نیز این ممنوعیت‌ها را تقویت می‌نمایند و یا در مورد دختران خود در مقایسه با پسران، آنها را تشدید

نیز می‌نمایند. و در خصوص تفسیر نیز می‌توان بیان داشت که از قواعد نظام اجتماعی در مورد نوع ارتباطات خود با اعضای خانواده، افراد خانواده تفاسیر مختلفی ارائه می‌نمایند.

بررسی تغییرات انجام شده در خصوص روابط خانواده نشان داد که در مورد عوامل کنترل کننده داخلی و خارجی این تغییرات معنادار می‌باشند.

همچنین می‌توان انواع گفتمان‌های موجود در خانواده‌ی تهرانی به دو دسته کلی تقسیم نمود: گفتمان‌های ارتباطی محاوره‌ای و گفتمان‌های ارتباطی انطباق با هنجارها و ارزش‌ها. کلیه نظام‌های پدرسالارانه، هنجارمند، ارزشی و .. را می‌توان در گفتمان‌های ارتباطی انطباق با هنجارها و ارزش‌ها دسته‌بندی نمود. و همچنین انواع گفتمان‌های ارتباطی فردگرایانه، فرزندسالاری، و شناخت‌محور را می‌توان در دسته‌بندی گفتمان‌های ارتباطی محاوره‌ای جای داد.

زمینه‌ی کنش ارتباطی خانواده از سرمایه‌ها و عوامل کنترل کننده داخلی و خارجی تشکیل شده‌است که شامل زمینه اجتماعی (سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه نمادین و عوامل کنترل کننده‌ی خارجی) و زمینه خانوادگی (سرمایه فرهنگی و عوامل کنترل کننده‌ی داخلی) است.

قواعد کاربست گفتمان‌ها که از تحلیل عاملی به دست آمد شامل انجمن‌های سخن (سرمایه اقتصادی، سرمایه نمادین، خانواده مبتنی بر رضایت طرفین و محاوره در سطح بالا)، رساله آداب (خانواده با آزادی مطلق، خانواده حمایتی، خانواده کثرت گرا و محاوره سطح پائین)، تملک‌های اجتماعی (سرمایه فرهنگی و عوامل داخلی کنترل کننده گفتمان) و گروه‌های آئینی (سرمایه اجتماعی و عوامل خارجی گفتمان) می‌باشد.

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل کلیه عوامل فوق که بر اساس نظریه زمینه‌ای و روش‌های کمی انجام پذیرفته است، بخش اصلی پژوهش که ایجاد گفتمان‌های دانش و بازایجاد آنها در جامعه می‌باشند از طریق نظریه زمینه‌ای انجام پذیرفت. قسمت اول آن در مقاله دیگری مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌است.

فرآیند تولید گفتمان‌های ارتباطات انسانی خانواده

"شک کردن در اعتبار ارادتمان به حقیقت، بازگرداندن خصلت رویدادگی گفتمان به گفتمان و پائین کشیدن علت از سریر قدرت" (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۲) به زعم فوکو، می‌تواند ما را به سوی تعریف جدید گفتمان‌های زندگی اطرافمان هدایت نماید. و با این شرایط، تبیین ما ممکن نخواهد بود مگر اینکه از روش‌های "اصل برگرداندن معنا، اصل ناپیوستگی، اصل خود ویژگی و قاعده برونیت" (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۳) در ارتباطات انسانی خانواده استفاده نمائیم. بنابراین به نظر می‌رسد می‌بایستی تحلیل گفتمان را با شرایط جدید یعنی تحلیل رویدادی از گفتمان خانواده، تحلیل سلسله‌ای از رویدادها در گفتمان خانواده، تحلیل قاعده‌مندی به جای اصالت و یک‌بودن از گفتمان و همچنین تحلیل شرایط امکان گفتمان ارتباطات انسانی خانواده پیش بریم.

در ابتدا به اعتبار عواملی که تأثیرگذار بر اندیشه جامعه شناسی خانواده بوده‌اند، شک نموده‌ایم. و تلاش کرده‌ایم تا اندازه‌ای خصلت رویدادگی گفتمان ارتباط انسانی درون خانواده را به آن بازگردانیم که

این مهم را در ادامه توضیح خواهیم داد. همچنین به تقلید از دریدا که بیان می‌دارد در دنیایی که عوامل تعیین کننده یک مسأله، در ابعادی بسیار عظیم در حال تغییر می‌باشد و بنابراین امکان تعیین روابط علی صرف در فضایی غیر واقعی، برای مسائل جامعه انسانی ناممکن می‌باشد، روابط علی را از سریر قدرت پائین کشیدیم. و سعی می‌کنیم تا از تبیین غیر خطی به جای تبیین خطی استفاده نمائیم.

در اساس این پژوهش تلاش نموده تا نشان دهد که متغیرهایی مانند سن، جنس، تحصیلات، طبقه اجتماعی، نژاد، ارتباط و سطوح نیازها به عنوان انگیزه، محیط، فرهنگ، رخدادهای، درک از دیگران و مهارت‌های ارتباطی. عوامل ایجاد رفتارهای خاص ارتباطات انسانی درون خانواده نیستند بلکه این گفتمان‌های حاکم و غالب در جامعه هستند که برای این عوامل تعیین می‌نمایند که چگونه به اقتضای هر کدام از آنها و یا ترکیباتی از این عوامل، افراد چگونه رفتارهای ارتباطی خود را سامان دهند. به عبارت دیگر گفتمان‌ها محدودیت‌های بسیاری را برای سنین مختلف، جنس (زن و مرد)، تحصیلات متمایز-کننده، طبقه اجتماعی خاصی که افراد در آنها زندگی می‌نمایند، نژاد (اگرچه که نژاد مخصوصاً در بحث خانواده در ایران چندان مورد مذاقه قرار نمی‌گیرد)، و همچنین سطوح نیازها، تعریف می‌کنند و توسط "شیوه‌های آموزشی (آداب سخن)، انجمن‌های سخن، گروه‌های آئینی و تملک‌های اجتماعی" (فوکو، ۱۳۷۸: ۱۳) آن را در جامعه توزیع می‌نمایند. و این توزیع هر چه بیشتر و بایسته‌تر باعث قدرت گرفتن این گفتمان‌ها در خانواده می‌شود و به طبع آن گفتمان‌های جدید ارتباطات انسانی درون خانواده را ایجاد خواهد نمود. در این مقاله ایجاد، تولید و بازتولید گفتمان‌های جدید ارتباطات انسانی درون خانواده مطرح نظر قرار گرفته است.

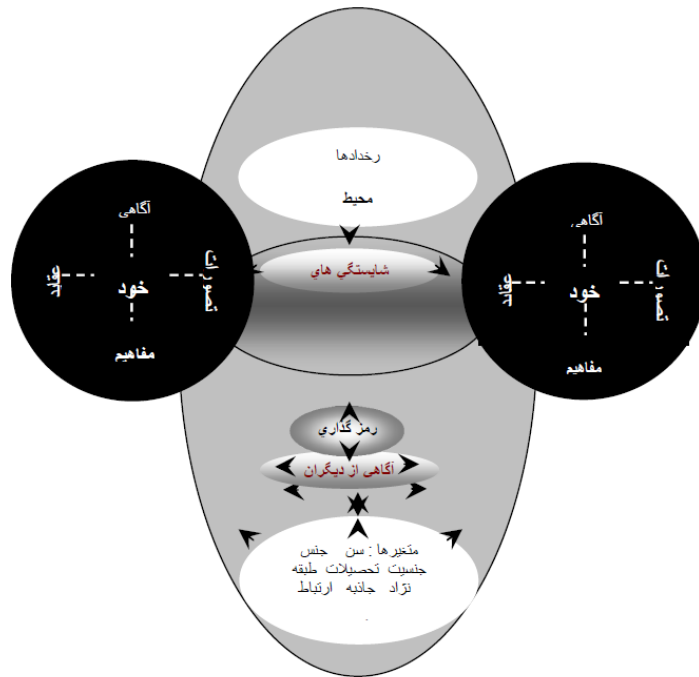
بدیهی است همانگونه که سیاق کلیه رویکردهای معاصر جامعه‌شناسی است، بر اساس مدل جدید روش‌های تحلیل در جامعه‌شناسی، تلاش شده‌است تا هم سطوح خرد و هم سطوح کلان جامعه-شناختی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

در ابتدا می‌بایستی مشخص شود که تولید گفتمان‌های ارتباطی درون خانواده چگونه شکل می‌گیرند، چگونه توزیع و باز اندیشیده و بازتولید می‌شوند.

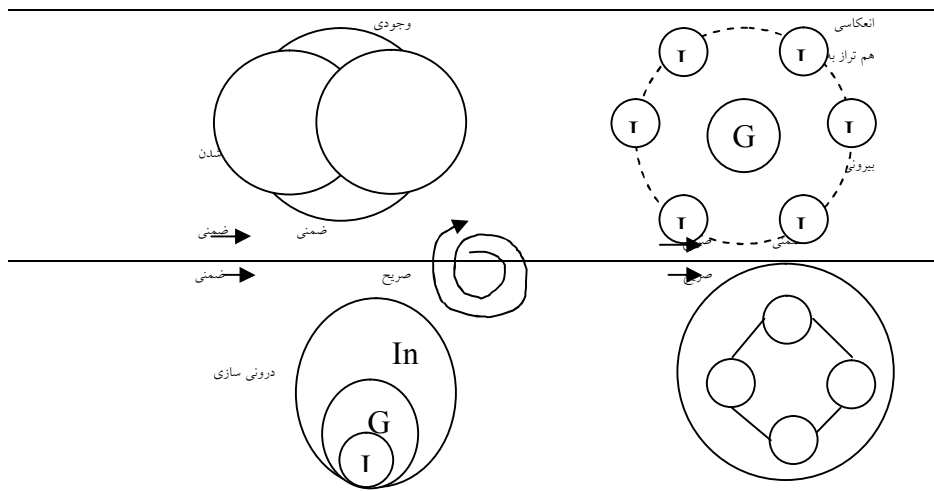
در اینجا به نظر می‌رسد می‌توان از نظریه دانش (معرفت) ^۱ (کروگ و گراند، ۱۹۹۹) استفاده نمود. از نظر این پژوهش، این مهم توسط فوکو (فوکو، ۱۳۷۸) نیز به همین سیاق برای تولید گفتمان‌ها استفاده گردیده است.

^۱ - Knowledge theory

گفتمان های دانش در ارتباطات انسانی خانواده



شکل ۱: مدل ارتباطات انسانی (مدل رو در رو) (هیل، ۲۰۰۷: ۴۴)



شکل ۲: تئوری دانش - مدل SECI

الف- اصل جاری شدن گفتمان ها

اولین مرحله از تولید و خلق گفتمان ارتباطات انسانی درون خانواده، اجتماعی شدن فرد در این ارتباط است. بدیهی است که اولین مکانی که فرزندان به فراگیری فرآیندهای اجتماعی شدن می‌پردازند، خانواده است. همچنین زوجین زمانی که با یکدیگر ازدواج می‌نمایند، نوع دیگری از اجتماعی شدن با

یکدیگر را تجربه می کنند. "ازدواج ارتباطی را می‌رساند که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی دارای تامیتی است بی نظیر. دیگر ارتباطات انسانی هر یک بعدی از ابعاد حیات را می‌پوشانند و حال آنکه زوجیت دارای ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی و نیز روانی و اجتماعی است. به بیان دیگر همزیستی زوجین در درون خانواده، آنان را در چنان گردونه‌ای از ارتباطات مختلف قرار می‌دهد که بی هیچ شبهه قابل مقایسه با هیچ یک از دیگر ارتباطات انسانی نیست." (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۴) بنابراین اجتماعی شدن فرآیند SECI فرآیندی است که معرفت تلویحی افراد را به اشتراک می‌گذارد. به اشتراک گذاری تجربیات، کلیدی برای فهم راه‌های تفکر و احساسات دیگران است. به معنای واقعی، معرفت تلویحی فقط می‌تواند به اشتراک گذارده شود، در صورتی که که خودش بخشی از خود بزرگتر می‌شود. که گیدنز آن را آگاهی عملی می‌نامد: "آگاهی عملی مستلزم کنش‌هایی است که کنشگران بدیهی می‌انگارند، بی‌آنکه بتوانند این کنش‌ها را واژه‌ها بیان کنند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۳ و ۷۰۴). در این مرحله افراد خانواده (یا حتی زوجین پیش از ازدواج)، افراد اجتماعی شدن را با یکدیگر تجربه و ادراک می‌نمایند. آنچه از یکدیگر در می‌یابند معرفت تلویحی آنها، تجربیات، احساسات و راه‌های تفکر یکدیگر است. اجتماعی- شدن در فرآیند SECI با ریشه‌گیری Ba مربوط می‌شود:

«ریشه‌گیری Ba»، دنیایی است که در آن افراد احساسات، هیجانات، تجربیات و مدل‌های ذهنی‌شان را به اشتراک می‌گذارند. یک فرد دلسوزی می‌کند و یا بیشتر با دیگران همدلی می‌کند و دیوار میان خود و دیگران را حذف می‌کند.

در این مرحله است که در ارتباط رو در روی افراد خانواده با یکدیگر در خانه، مراکز تفریحی و یا در مکان‌های دیگری که ساعات خود را با یکدیگر می‌گذرانند، اجتماعی شدن شکل می‌گیرد. «زمان و مکان در نظریه گیدنز متغیرهای تعیین کننده‌ای است. هر دو این متغیرها بستگی به حضور آدم‌های دیگر در زمان و مکان دارند. شرط اساسی، کنش متقابل رو در رو است، به گونه‌ای که دیگران در همان زمان و مکانی که کنشگر وجود دارد حضور داشته باشند.» (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۶)

در واقع در این مدل، Ba مکانی است که خود Self با همه آگاهی و ادارکاتش^۱، با تمام عقایدش^۲، با تمام تصورات ذهنی‌اش^۳ و با همه مفاهیم درونی‌اش Concept وارد در صحنه ارتباطات انسانی با دیگری (یا دیگران) می‌شود. در واقع «انسان کنشگر و بازاندیشنده نه تنها خودآگاه است، بلکه جریان جاری شدن فعالیت‌ها و شرایط ساختاری را نیز بازنگری می‌کند.» (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۲)

در فضای رودر رو با افراد، افراد انسانی در شیوه ارتباطی تلویحی خود با دیگران (خود دیگران) قرار دارند. بدیهی است که همه انسان‌ها در این فضا رو در رو بدون خود وجودی خود یعنی بدون عقاید، آگاهی‌ها، تصورات درونی و مفاهیم خود نیستند.

و «گیدنز با تأکیدش بر عاملیت، به عوامل انسانی قدرت بزرگی می‌بخشد. به عبارت دیگر عوامل مورد نظر گیدنز این توانایی را دارند که بر جهان اجتماعی‌شان تأثیر گذارند. به عبارتی حتی از این

^۱ - Awareness

^۲ - Belief

^۳ - Image

هم شدیدتر، عوامل بدون قدرت معنایی ندارند، یعنی کنشگری که گنجایش تأثیر گذاشتن را از دست داده باشد، در واقع دیگر نمی تواند عامل باشد. [...] به اعتقاد گیدنز، قدرت بر ذهنیت تقدم منطقی دارد، زیرا کنش مستلزم قدرت یا توانایی تغییر شکل موقعیت است.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۴)

هم در این مکان افراد در نتیجه ارتباطات خود است که اجتماعی شدن را فرا می گیرند. فرا می گیرند که چگونه بایستی بر اساس مقتضیات خود و شرایط محیطی که در آن قرار دارند، به کنش ارتباطی برخیزند. به عبارت دیگر افراد فرا می گیرند تا بدانند که آداب سخن (برنامه های آموزشی) برای آنها توسط خانواده چگونه برنامه ریزی گردیده است. بنابر نظر گیدنز: «فعالیت های انسانی را کنشگران اجتماعی به وجود نمی آورند، بلکه این فعالیت ها از طریق همان راه هایی که انسان ها خودشان را به عنوان کنشگر مطرح می سازند، پیوسته باز ایجاد می شوند. عوامل انسانی از طریق فعالیت هایشان شرایطی را به وجود می آورند که این فعالیت ها را امکان پذیر می سازد.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۲)

اما مهم است که خصلت رویدادگی را فراموش نکنیم، به عبارت دیگر آنگونه که گیدنز نیز یادآور شده است: «عاملیت با رویدادهایی سروکار دارد که یک فرد عامل آنهاست. هر چیزی که اتفاق می افتد، می توانست اتفاق نیفتد اگر که فردی در وقوع آن دخالت نمی کرد.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۴)

و این نیز مهم است که بدانیم که اجتماعی شدن بلکه نه تنها مرتباً در ارتباط رو در رو و رخدادهای آن دچار تغییر و بازتغییر می شود، بلکه فرد فرا می گیرد که از منابع دیگری نیز در جامعه برای کنش های ارتباطی خود استفاده نماید. این منابع همان انجمن های سخن، گروه های آئینی و تملک های اجتماعی مورد نظر فوکو (فوکو، ۱۳۷۸، صص ۳۶-۴۰) هستند. یا بنا بر نظر گیدنز «ساختار به عنوان صفات ساختار دهنده ای [قواعد و منابع] تعریف شده که اجازه می دهند عملکردهای اجتماعی مشابه و قابل تشخیص در راستای پهنه های متغیر زمان و مکان وجود داشته باشند و به این عملکردها صورت نظامداری می بخشند.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۴)

به زعم فوکو، هریک از این رخدادهای را بایستی مستقل از یکدیگر در نظر گرفت و برای هر یک ماهیت جداگانه قائل شد: «یکی از آنها اصل ناپیوستگی است: [] با گشتن در جهان و درتیندن پیوند به همه ی صور و رویدادهای آن نباید خیال کنیم که چیزی گفته نشده و اندیشیده نشده وجود دارد که حالا دیگر باید بدان پرداخت و بدان اندیشید. گفتمان ها را باید چونان پراتیک های ناپیوسته ای تلقی کرد که به هم برمی خورند و گاه با هم جفت می شوند، ولی در ضمن از کنار هم رد می شوند بی آنکه از هم خبر داشته باشند، یا یکدیگر را طرد می کنند.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۴۶)

در زمانی که رخدادهای گوناگون در ارتباط میان افراد اتفاق می افتند، همه افراد شرایط جدید را مورد پردازش قرار می دهند. طبق یک فرضیه روانشناختی «افراد جوان تر در مقایسه با افراد پیرتر با سرعت بیشتری اطلاعات بصری را پردازش می نمایند» (شومیکر، ۱۳۸۷: ۱۷۲)، اما نمی توان نادیده انگاشت که پیران نیز با توجه به مدل ها و چهارچوب های ذهنی از قبل شکل گرفته (یا به عبارت فوکو گفتمان های محدودیت آور گذشته و یا به نظر گیدنز عملکردهای اجتماعی تکرار شونده) شروع به قضاوت و مدل سازی برای رخداد جدید می نمایند. پردازش جدید توسط گروه جوانان آغاز ایجاد گفتمان های جدید

را بازی می‌نماید زیرا که چون بر مدل‌های از قبل ساخته شده نیست، خلاقیت جدیدی بر رخداد است. اینگونه اولین بارغه‌های خلق معرفت جدید آغاز می‌گردد.

نسل جوان در مواجهه با رخداد جدید، و ناشناخته‌بودن آن برای این افراد به یکی از روش‌های زیر متوسل می‌گردد: انتخاب یک نام برای یک مفهوم. ارائه کردن مفاهیم جدید. ارائه علت‌ها یا تبیین‌های ممکن برای یک پدیده یا مفهوم. ارائه معلول‌ها یا اثرات ناشی از یک مفهوم. ارائه فرضیه‌های جدید. ارائه راه‌های جدید اندازه‌گیری مفاهیم قدیمی. ارائه معیارهای نظری برای فرضیه‌ها. ارائه دلیلی برای اینکه چرا یک رخداد معین ممکن است وجود داشته باشد. پیشنهاد کردن روابط دیگر به منظور وارد شدن در تحلیل روابط. ارائه کردن تبیین‌های جایگزین برای یک نتیجه.

کاملاً مشخص است که افراد با سنین کمتر، به همان نسبتی که از الگوهای پیشین برای ارزیابی رخدادها آگاه نمی‌باشند، به همان نسبت به دلیل سرعت پردازش تفکرشان، دست به خلاقیت برای رخداد جدید می‌زنند. نتیجه اینکه با بسیاری از الگوهای پیشین متفاوت خواهند بود. بدیهی است که این تفاوت و اختلاف در مرحله بعدی که کنش رفتاری است خود را نشان خواهد داد، به اشتراک گذارده می‌شود.

خلق گفتمان جدید به زمینه‌ای که در آن رخدادها به وقوع می‌پیوندند، بستگی دارد. آنگونه که بورديو زمینه را تعریف نموده‌است: «زمینه شبکه‌ای از روابط است که میان جایگاه‌های عینی درون زمینه وجود دارد. این روابط جدا از آگاهی و اراده فردی وجود دارند. این روابط، کنش‌های متقابل یا پیوندهای بین‌الذهانی میان افراد نیستند. اشغال کنندگان جایگاه‌های این شبکه، هم می‌توانند عوامل انسانی باشند و هم نهادهای اجتماعی.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۴) همچنین بنا به نظر بورديو «جایگاه‌های عوامل و کنشگران گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند، تعیین می‌کند. این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت گیرد.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۴)

و انواع سرمایه که عوامل می‌توانند توسط آنها نه تنها به خلق گفتمان‌های جدید، بلکه برای تحت نظارت در آوردن دیگران دست یابند، به نظر بورديو عبارتند از: «بورديو معمولاً از چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید. معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی که از پهنه‌ی اقتصادی سرچشمه می‌گیرد، البته آشکار است. سرمایه‌ی فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را در برمی‌گیرد. سرمایه‌ی اجتماعی در برگرفته‌ی روابط اجتماعی ارزشمند میان آدم‌ها است. سرمایه‌ی نمادین از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۵). به عبارت دیگر آنانی که از سرمایه‌های بیشتری برخوردارند، از مزیت رقابتی بیشتری نیز در خانواده برخوردار می‌باشند. به هر حال آنچه قطعی و یقینی است این است که برای ایجاد گفتمان‌های جدید بایستی حقیقتی آرمانی به عنوان قانون گفتمان - عقلانیتی درون‌بود - اصل جاری شدن گفتمان‌ها وجود داشته باشد. آنچنان که فوکو بیان می‌دارد: "نخست پاسخی با پیشنهاد کردن حقیقتی آرمانی به عنوان قانون گفتمان، و عقلانیتی درون‌بود به عنوان اصل جاری شدن گفتمان‌ها، نیز با امتداد بخشیدن به نوعی اخلاق معرفت که حقیقت را جز به میل خود حقیقت و به تنها قدرت اندیشیدن آن، به هیچ چیز دیگری وعده نمی‌دهد. و وسیله‌ای برای تقویت کردن با انکاری که این بار ناظر بر واقعیت ویژه‌ی گفتمان به طور کلی است. و " به نظر می‌رسد که این اندیشه مراقبت کرده که گفتمان آوری فقط دستاوردی میانه‌ی اندیشیدن و سخن گفتن باشد. اندیشه‌ای باشد دوباره ملبس به

علائم خویش و مشهود شده به کمک واژه‌ها، یا برعکس همان ساخت‌های خود زبان باشد که به کار افتاده‌اند و تأثیری معنادار را تولید می‌کنند."

وآنگونه که گیدنز نیز درباره معنای عقلانیت بیان داشته است: «کنشگران در جستجوی احساس امنیت جهان‌شان را عقلانی می‌سازند. و منظور گیدنز از عقلانیت، تحول رویه‌های روزمره‌ای است که نه تنها به کنشگران احساس امنیت می‌بخشد بلکه آنها را قادر می‌سازند تا به گونه‌ای کارآمدتر با جهان اجتماعی‌شان بر خورد کنند.» (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۳) ممکن است این عقلانی‌سازی که تحول رویه‌های روزمره است، جوانان را وادار به کنش‌هایی نماید که به نظر آنها، به آنها امنیت بیشتری می‌دهد. درحالی که ممکن است چنین نباشد. بنابراین در ارتباط میان افراد خانواده، گفتمان در میانه اندیشیدن و سخن گفتن وجود دارد. در واقع پس از اندیشیدن کنشگر و ارتباط تلویحی با دیگران است که سخن گفتن حادث می‌شود. به این ترتیب خلق گفتمان از پس اندیشیدن و یافتن راه‌ها، روش‌ها و بازتولید گفتمان‌های قدیمی‌تر و به گونه‌ای "بازگشتی" توسط عملکردهای کنشگران اتفاق می‌افتد.

آنچه در این مرحله تولید می‌شود، رساله‌ی آداب (آداب سخن) با برنامه‌های آموزشی است. رساله‌ی آداب، مرتباً توسط خلق و نوآوری گفتمان‌ها، بازتولید می‌شود. ولی در اصل تا خلق یا تغییر بعدی به عنوان منبعی جهت ارجاع در دسترس افراد قرار می‌گیرد. «این رساله است که کیفیات لازم برای افراد واجد شرایط در بین جان‌های سخنگوی را تعیین می‌کند (و نشان می‌دهد که این افراد در قواعد بازی گفت و گو، پرسش، از برخواندن، چه وضعی باید به خود بگیرند و چه نوع گفته‌هایی را باید بیان کنند). همین رساله، حرکات، رفتارها، اوضاع و احوال، و مجموعه‌ی علائم و نشانه‌های ملازم با گفتمان را تعیین می‌کند. و سرانجام همین رساله است که می‌گوید کارآمدی مفروض یا تحمیلی سخنان، تأثیر آنها بر کسانی که خطاب به آنان گفته می‌شوند، و حدود ارزش اجبارآورشان کدام است.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۷)

ب - خروج از انتزاع - سخن بر سر خط

این مرحله‌ای است که ارتباط میان افراد خانواده به شیوه‌ای بازتابی در مواجهه با دیگران قرار می‌گیرد. و چون می‌بایستی از نشانه‌ها، نمادها و الفبای زبانی، استعارات و تشبیهات قابل ادراک هر دو (یا چند) سوی این ارتباط استفاده گردد، از حالت ذهنی و انتزاعی خارج شده و گام به سوی تصریح برمی‌دارد. که در این مقاله آن را خروج از انتزاع ذهنی نام نهاده‌ایم. این مرحله برابر با مرحله ای است که گفتگو کردن Ba در آن رخ می‌دهد:

«گفتگو کردن Ba»، آگاهانه‌تر در مقایسه با سرچشمه Ba بنا شده است. گفتمان، عکس‌العمل، مدل‌ها و مهارت‌های ذهنی فردی را ترغیب می‌کند. افراد مدل‌های ذهنی‌شان را با دیگران به اشتراک می‌گذارند، همچنین عکس‌العمل‌ها و تجزیه و تحلیل‌های خودشان را.

همچنین این مرحله همان بیرونی‌سازی فرآیند SECI است:

«بیرونی‌سازی کردن» فرآیند SECI: بر وضوح معرفت تلویحی و ترجمه آن به شکل‌هایی که بتواند توسط دیگران فهمیده‌شود، تأکید می‌کند. افراد از خودهای درونی و بیرونی خود در گفتمان با

دیگران استفاده می‌کنند. به این معنی که از «شنیدن و نوشتن برای سود همه افراد درگیر در گفتمان» فراتر می‌روند. (بوهم، ۱۹۸۰). در عمل بیرونی‌سازی به وسیله استفاده از استعارات و شباهت‌های نسبی و مقایسه‌ای پشتیبانی می‌شود.

آنچه در این مرحله مهم است این است که افراد درگیر در ارتباط هم‌ترازانه در زمینه‌ی ارتباط برابر می‌باشند. هر چه توانایی افراد در داشتن "سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین" (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۵) بیشتر باشد، امکان استفاده از نمادها، نشانه‌ها، تشبیهات و استعارات بیشتر خواهد بود و به همین نسبت قدرت استفاده از گفتمان‌ها و بازتولید آنها بیشتر می‌شود.

و از نظر فوکو "جان‌شناسای بنیادگذار به عنوان مایه‌ی فکری"، همان کنش خروج از انتزاع را انجام می‌دهد، و همین موضوع می‌تواند ما را نسبت به اینکه کدامیک - جان‌شناسای بنیادگذار یا گفتمان - این مهم را انجام می‌دهند، به اشتباه اندازد:

"جان‌شناسای بنیادگذار به‌عنوانی یک مایه‌ی فکری، خودش می‌تواند از ابزارهای حذف واقعیت گفتمان باشد. چون جان‌شناسای بنیادگذار خود به خود این معنا را دارد که با دیدهای خویش صور خالی زبان را به طور مستقیم به حرکت در می‌آورد." (فوکو، ۱۳۷۸: ۴۲) اما همان‌گونه در فوق مشاهده می‌شود، و همان‌گونه که اشاره شد، گفتمان در میان اندیشیدن و سخن گفتن است، بنابراین جان‌شناسای بنیادگذار به عنوان کنشگر فعال می‌تواند باعث شود که واقعیت گفتمان نادیده گرفته شود. بنابراین فوکو آن را به عنوان ابزاری برای حذف گفتمان مفروض می‌دارد.

در این مرحله ارتباطات ضمنی به ارتباطات صریح همراه با علائم و نشانه، نمادها و حروف و کلمات نشان داده می‌شود. این مرحله را می‌توان در ارتباطات درون خانواده، زمانی که هدیه‌ای مزین به یک کارت تبریک سالگرد روز ازدواج به همسر اهدا می‌شود، زمانی که یک مراسم ازدواج، فوت رخ می‌دهد، می‌توان دریافت. از نظر فوکو اینجا سخن بر سر خط است. یعنی آنچه که به توسط علائم تصریح گردیده است، و گیدنز این مرحله را به نام "آگاهی گفتاری" می‌نامد و منظور وی از آگاهی گفتاری این است که: «آگاهی گفتاری مستلزم توانایی توصیف کنش‌ها با واژه‌هاست.» (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۳)

آنچه در این مرحله ایجاد می‌شود، "انجمن‌های سخن" است. در انجمن‌های سخن آنچه مهم این است که افرادی که در آن عضو می‌باشند، هم‌ترازان می‌باشند، که "وظیفه‌ی این انجمن‌های سخن حفظ یا تولید گفتمان‌هاست. که برای رایج کردن‌شان در محافل محدود و پخش نکردن‌شان جز با رعایت قواعد دقیق و به صورتی که دارندگان اسرار انجمن با پخش این گفتمان‌ها از مایملک خود محروم نشوند (فوکو، ۱۳۷۸، ص ۳۷) کارکرد دارند. یعنی اینکه در ارتباطات درون خانواده، افراد هم‌تراز با یکدیگر مانند زن و مرد (پدر و مادر) با یکدیگر از این علائم استفاده می‌کنند و مرتباً با استفاده از این قوانین، آنها را تقویت می‌نمایند.

کاملاً مشخص است که انجمن‌های سخن برای کسانی که از آنها استفاده می‌نمایند، قدرت ایجاد می‌نماید و در واقع سرمایه‌ی فرهنگی آنها را افزایش می‌دهد. بدیهی است آنانی که از این قدرت بهره‌مند می‌شوند در مقابل تغییر یا بازتولید آن مقاومت به خرج می‌دهند.

ج- ایجاد آئین‌های الزام آور - سخن بر سر قرائت

آنچه که در مرحله‌ی اول در ارتباط میان افراد خانواده خلق شد و سپس در مرحله دوم به زبان جاری و تصریح گشت و توسط انجمن‌های سخن یا خانواده‌های بزرگ، طایفه‌ها یا قبایل به شکل خصوصی به مشارکت گذارده شد، در این مرحله با وارد شدن به گروه‌های بزرگتر و انتشار آن و همچنین ترکیب آن با پیش زمینه‌های قبلی و ایجاد آئین و روش‌های خاصی برای افراد درگیر در آن گروه‌ها، از حدود نهادهای به اشتراک گذارنده فراتر می‌رود و بیشتر عینی می‌شود. فوکو در این خصوص چنین بیان داشته است: «در انجمن‌های سخن تعداد افراد سخنگو، اگر چه از پیش تعیین شده و ثابت نبود، اما گرایش به محدود بودن داشت. گفتمان در بین همین تعداد محدود می‌چرخید و منتقل می‌شد. در حالی که آیین، برعکس گرایش به انتشار دارد. و افراد به کمک اشتراک در یک مجموعه‌ی واحد از گفتمان است که با همه‌ی تعدد ممکن خویش از لحاظ تعداد، تعلق متقابل خود را به آیینی معین مشخص می‌کنند.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۸). این مرحله پس از گفتگو کردن Ba و بیرونی‌سازی فرآیند SECI و سپس انتشار گفتمان جدید ارتباطی توسط گروه‌های بزرگتر برای استفاده‌ی دیگر خانواده‌هایی که همان شرایط و زمینه را دارند، به مصرح‌سازی پیچیده‌تر می‌پردازد. این مرحله در صورت پذیرفته‌شدن گفتمان جدید، سیستم‌سازی برای در اختیارگذاری آن برای دیگر خانواده‌ها و ساختارهای مرتبط با آن، انجام می‌شود. که این مرحله منتظم و نظام‌مند کردن Ba و ترکیب فرآیند SECI، نامیده می‌شود: «منتظم و نظام‌مند کردن Ba»، با معرفت موجود ترکیب شده‌است. معرفت صریح ایجاد می‌شود و به وسیله توجه به مفهوم کامل نهاد، سیستم‌سازی می‌شود. بنابراین سیستم‌سازی Ba با فاز ترکیب مربوط می‌شود. ترکیب، معرفت صریح و با راندمان‌ترین می‌باشد که به وسیله معرفت و تکنولوژی شبکه پشتیبانی می‌شود. «ترکیب» فرآیند SECI: شامل تبدیل معرفت صریح به مجموعه پیچیده‌تری از معرفت صریح می‌باشد. برای انتشار تکه پاره‌های دانش، ویرایش و نظام‌ورزی این نوع دانش، کلیدهایی برای این شکل تبدیل وجود دارد. این معرفت جدید از گروه و نهادهایی که بطور گسترده وظیفه انتشار آن را دارند، فراتر می‌رود. این مرحله باعث به وجود آمدن «گروه‌های آئینی» به زعم فوکو می‌شود. در این مرحله «آیین، همیشه در حکم نشانه، بروز و ابزار یک تعلق قبلی است، تعلق طبقاتی، تعلق به پایگاه اجتماعی یا نژاد، به ملیت، به منافع، به مبارزه، به عصیان، به مقاومت یا به پذیرندگی. آیین عامل پیوند افراد به انواع معینی از بیان یا گزارش است، و در نتیجه نمی‌گذارد که آنان از دیگر نحوه‌های بیان استفاده کنند. آیین، در عوض از برخی انواع نحوه‌های بیان برای پیوند دادن افراد به یکدیگر، و متمایز کردن‌شان از دیگران از این رهگذر، بهره برمی‌گیرد. آیین بر دو گونه سرسپردگی تحقق می‌بخشد: سرسپردگی جان‌های سخنگو به گفتمان‌ها، و سرسپردگی گفتمان‌ها به گروه، دست کم بالقوه افراد سخنگو.» (فوکو، ۱۳۷۸: ۳۹). یعنی اینکه اگر به طور مثال نوع جدیدی از ارتباط اینترنتی مانند ایمیل، بین جوانان پیش از ازدواج به منظور بیشتر آشنا شدن، در گروه خاصی از افراد مثلاً آنانی که یکی از زوجین در مکان‌هایی دور از شهر محل زندگی یا حتی کشور محل زندگی زوج دیگر اتفاق بیفتد و این ارتباط جدید، باعث یافتن و تعریف و ایجاد انواع دیگر ارتباط اینترنتی جوانان مانند چت بشود و از میان آن گروه ویژه خارج شده و شکل جدیدی از ارتباط را در طبقات اجتماعی دیگر ایجاد نماید، قرائت جدیدی از این ارتباطات می‌باشد که آئین‌های ویژه‌ای را نیز تسری می‌دهند. به عنوان مثال آئین لزوم آشنایی زوجین قبل از ازدواج، در مقابل

روش سنتی ازدواج در ایران. حتی در میان زوجینی که با یکدیگر نسبت خانوادگی دارند و مرتباً در طول روز و شب، هر وقت که بتوانند با یکدیگر چت می‌کنند. بنابراین در اینجا صحبت بر سر این است که قرائت جدیدی انجام می‌شود. و رفتارها و کنش‌های کنشگران را تحت تأثیر قرار داده و آنان را وادار به پذیرش و انجام آنها می‌نمایند. این آئین‌ها باعث می‌شوند که مراحل گذار خانواده‌ی سنتی ایران به خانواده جدید تسهیل گردد.

بنابراین در این مرحله موضوعات ذهنی که به طریقی ابتدایی تصریح گردیده بود، اینک با شیوه‌های پیچیده‌تر و نظام‌مندتر، تصریحات پیچیده‌تری را برخواهد تافت. و باعث ایجاد گروه‌های آئینی می‌شود که این گروه‌ها خود الزامات بسیاری را برای گروه‌های اجتماعی، طبقات، نژادها و دیگر ساختارهای جامعه تکلیف می‌نمایند.

د- ایجاد ساختارهای میانجی - سخن بر سر مبادله

این مرحله‌ای است که طی آن کنشگران و جامعه، تصریحات ارتباطات انسانی خانواده در دو مرحله‌ی قبل را درونی‌سازی می‌نمایند. به عبارت دیگر از طریق ساختارهایی همچون نهادهای تعلیم و تربیت فرزندان، نهادهای آموزشی بزرگسالان، نهادهای فرهنگی-تفریحی سالمندان و دیگر انواع نهادها، مصرحات مراحل پیشین را در فضای عمل به مشارکت فعال می‌گذارند و از طریق تمرین و ممارست، تلاش در درونی‌سازی آنها می‌نمایند.

«اجرای Ba» دگرگونی معرفت صریح به معرفت ضمنی را تسهیل می‌کند که بر روی درونی‌سازی، بر روی مشارکت فعال یا پیرامونی در فضای الگوهای عمل تأکید شده است. در واقع کنش در زمینه‌ای، اتفاق می‌افتد، یعنی در مکانی که افراد خانواده در فضای کنش اجتماعی توسط نهادهای اجتماعی و با مشارکت فعال خودشان، به درونی‌سازی معرفت صریح می‌پردازند. «درونی‌سازی» فرآیند SECI: تبدیل خلق معرفت صریح به معرفت ضمنی افراد را معنی می‌دهد. عوامل یادگیری همزمان با عملیاتی کردن، آموزش و تمرین برای مجسم کردن معرفت صریح مهم هستند. ساختارهای اجتماعی هرچه بیشتر وظایف تعلیم و تربیت خانواده را برعهده گرفته‌اند و این مهم با هر چه بیشتر نوین شدن جامعه، سرعت بیشتری یافته است و دنیای اطلاعات و فضای سایبرنتیک باعث تسهیل هر چه بیشتر این روابط شده و انواع فضاهای کنش حقیقی و مجازی را برای کنش افراد خانواده ایجاد نموده است. در واقع تشکیل این ساختارها، بخشی از ایجاد گفتمان جدید خانواده می‌باشد. از آنجائی‌که میدان عمل و ممارست برای هر یک از سطوح هم‌تراز و ناهم‌تراز در خانواده متفاوت است، الزام‌های اجتماعی تحمیل شده بر این افراد نیز با یکدیگر متفاوت خواهد بود. بورديو معتقد است که "جهان اجتماعی و ساختارهای آن به گونه‌ی یکنواخت بر همه ی کنشگران تحمیل نمی‌شود." (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱). همچنین به زعم فوکو، چیزهایی که درونی‌سازی را به تعداد کنشگران درون زمینه متفاوت می‌سازد، تفسیر آنها که گاهی مقام دست اول به دست می‌آورند. خود مؤلف، که منظور آن کسانی هستند که معرفت را نوشته‌اند و فرآیند تبدیل معرفت تلویحی را به معرفت صریح به انجام رسانیده‌اند و بدینگونه محدودیت‌هایی را بر معرفت اعمال نموده‌اند و کنشگران از این مستندات استفاده می‌نمایند. و پارادایم علمی (مواد علمی) که باعث می‌شود روش‌های تحلیل کنشگران از یکدیگر در فضای این پارادایم‌ها متفاوت باشند. (فوکو،

در این مرحله معرفت صریح مجدداً به معرفت تلویحی و ذهنی تبدیل می‌گردد. بورديو از آن به عنوان ساختمان ذهنی یاد کرده و بیان می‌دارد: "ساختمان ذهنی به ساختارهای ذهنی یا شناختی اطلاق می‌شود که انسان‌ها از طریق آنها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند. انسان‌ها مجهز به یک رشته طرح-های ملکه‌ی ذهن شده‌ای هستند که با آنها جهان اجتماعی‌شان را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. از طریق همین طرح‌های ذهنی است که آدم‌ها عملکردهایشان را تولید کرده و آنها را ادراک و ارزش‌گذاری می‌کنند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۱) و این طرح‌های ارتباطی ملکه ذهن شده توسط جهان اجتماعی یا ساختارهای ساخته شده برای این کارکرد وارد در صحنه شده و امور تربیتی خانواده و امور آموزش و مشاوره‌ی بزرگسالان را به انجام می‌رسانند. بنابراین ساختارهایی که بخش وسیعی از وظایف خانواده را به انجام می‌رسانند رخ می‌نمایند. به نظر گیدنز: "ساختار تنها از طریق و در راستای فعالیت-های عوامل بشری وجود دارد." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۵) از آنجائی که به نظر تامپسون (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۵) مفهوم جامعه‌شناختی متعارف ساختار با نظام اجتماعی گیدنز نزدیک است، بنابراین گیدنز نظام اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: "گیدنز نظام اجتماعی را به عنوان عملکردهای اجتماعی بازتولید شده یا «روابط بازتولید شده‌ی میان کنشگران یا جمع‌هایی که به صورت عملکردهای اجتماعی با قاعده سازمان گرفته-اند» تعریف می‌کند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۵) همچنین به دلیل این تفاوت در سطوح همتراز و ناهمترازی میزان بهره‌برداری افراد خانواده از سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین نیز با یکدیگر برابر نخواهند بود. چنانکه به نظر گیدنز: "هر کنش اجتماعی در برگیرنده‌ی ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۲) و همچنین "ساختار همیشه از یک سوی الزام آور است و از سوی دیگر، توانایی‌بخش." "ساختارها غالباً به عوامل انسانی اجازه می‌دهد اعمالی را انجام دهند که بدون وجود این ساختارها نمی‌توانستند انجام دهند. هر چند گیدنز تأکید بیش از حد بر الزام ساختاری را رد می‌کند، اما این را می‌پذیرد که کنشگران در راستای زمان و مکان، ممکن است نظارت بر «صفات ساختاری نظام‌های اجتماعی» را از دست دهند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۰۵) و از نظر بورديو "ساختمان ذهنی همان «ساختارهای اجتماعی تجسم یافته و ملکه‌ی ذهن شده» است." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۱) و همچنین "ساختمان ذهنی هم جهان اجتماعی را تولید می‌کند و هم خودش تولید شده‌ی جهان اجتماعی است. از یک سوی، ساختمان ذهنی یک «ساختار ساختار دهنده» است، یعنی ساختاری است که به جهان اجتماعی ساختار می‌بخشد. از سوی دیگر، ساختمان ذهنی یک «ساختار ساختار بندی شده» است، یعنی ساختاری است که جهان اجتماعی به آن ساختار داده است." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۲)

به عبارت دیگر "بورديو ساختمان ذهنی را به صورت «دیالکتیک ملکه‌ی ذهن شدن عوامل خارجی و خارجی شدن عوامل درون ذهنی» توصیف می‌کند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۲) "بورديو وقتی ساختمان ذهنی را به عنوان «نظام تمایلات ساختار گرفته و ساختار دهنده» ای تعریف می‌کند که «با عملکرد ساخته می‌شود و پیوسته در جهت کارکردهای عملی است»، در واقع کارکرد میانجی‌گرانه‌ی عملکرد را بیان می‌کند." (ریتزر، ۱۳۸۴: ۷۲۲). در واقع در این مرحله «عملکردهای اجتماعی تکرار شونده» ی گیدنز، یا «طرح‌های ملکه ذهن شده» ی بورديو توسط ساختارها و نظام اجتماعی به درونی-سازی معرفت تصریح شده مراحل قبل می‌پردازند. بدیهی است که درونی‌سازی کنشگران در این مرحله

با توجه به تفاوت‌ها و توانایی‌هایشان باعث تبدیل مجدد معرفت صریح به تلویحی می‌شود. این مهم توسط ساختارهایی که برای این منظور به وجود آمده‌اند، انجام می‌شود. واضح است که مشخص نمودن کارکردی برای یک ساختار، منجر به ایجاد تملک‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین توزیع این بخش معرفت توسط متملکین اجتماعی انجام خواهد پذیرفت. اما به نظر فوکو خود این ساختارها، باعث می‌شوند که واقعیت گفتمان و آنچه در این مرحله انجام می‌پذیرد، دیده نشود: "سرانجام در مقیاسی بسیار وسیع‌تر، به گسستگی‌های بزرگی توجه کنیم که در زمینه‌ی معروف به تملک اجتماعی گفتمان وجود دارند. تعلیم و تربیت بیهوده کوشیده است تا علی‌الاصول ابزاری برای بهره‌مندی هر فرد از هرگونه گفتمان، در جامعه‌ای نظیر جامعه‌ی ما، باشد. همگان به خوبی می‌دانند که این تعلیم و تربیت در توزیع امکانات خویش، چه از جهت امکانات بهره‌ساز، چه از جهت امکانات بازدارنده‌اش، از خطوطی تبعیت می‌کند که حد و مرز آنها را فاصله‌ها، تضادها و مبارزه‌های اجتماعی تعیین می‌کند. هر دستگاه تعلیم و تربیت نوعی شیوه‌ی سیاسی برای حفظ یا تغییر وجوه تملک گفتمان‌ها، همراه با دانش‌ها و قدرت‌های برخاسته از آنهاست." (فوکو، ۱۳۷۴: ۴۰).

بازگشت به اصل جاری شدن گفتمان

فرآیند SECI به شیوه‌ی ماریچی حرکت خود را ادامه می‌دهد. و مداوماً این چهار مرحله تکرار می‌شوند. مرحله‌ی انتقال از درونی‌سازی معرفت به اجتماعی‌کردن معرفت، و یا مرحله انتقال از ایجاد ساختارهای میانجی به مرحله جاری شدن گفتمان‌های جدید، مجدداً بر اثر فرآیند ارتباطات رو در روی ضمنی، شخصی و ذهنی انجام می‌شود. به نظر بورديو: "ساختمان ذهنی هم ماندگار و هم انتقال‌پذیر است، به این معنا که از یک محیط به محیط دیگر قابل انتقال است." (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱) و همچنین بورديو بیان می‌کند: "ساختمان ذهنی موجود در هر زمانی طی فراگرد تاریخ جمعی ساخته و پرداخته می‌شود: «ساختمان ذهنی که فرآورده‌ی تاریخ است، عملکردهای فردی و جمعی را بر وفق طرح‌های ایجاد شده به وسیله‌ی تاریخ، تولید می‌کند.» ساختمان ذهنی که هر فرد معینی از خود نشان می‌دهد، طی یک تاریخ فردی به دست می‌آید و کارکرد مقطع خاصی در تاریخ اجتماعی زمینه‌ی آن است." (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱). و یا به نظر گیدنز: "انسان‌ها تاریخ را می‌سازند، اما این کار را به دلخواه خودشان انجام نمی‌دهند. آنها این کار را نه تحت شرایط انتخابی‌شان بلکه تحت شرایطی که مستقیماً با آن روبرو می‌شوند و از گذشته به آنها انتقال یافته است، انجام می‌دهند." (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۰۱)

پویایی دانش (معرفت) و رای زمان و مکان

این مدل SECI فرآیندهای پویای تکامل خود را توصیف می‌کند. افراد یا گروه‌ها و رای دانش (معرفت) محدود خودشان می‌توانند پیشرفت کنند. هر تبدیل در این فرآیند یک رخداد رفتاری و عکس‌العمل، می‌تواند درک بشود. به عنوان مثال اجتماعی شدن به تعامل رفتاری و تفکر معرفت تلویحی احتیاج دارد. و بیرونی‌سازی تأکید بر تعامل درون گروه‌ها و گفتمان‌های متقابل انعکاسی، ترکیب بر فراگیری و عکس‌العمل دارد. و هست بودن (ساخت) به رفتار و انعکاس آن، برای حفظ معرفت درونی-شده نیاز دارد. در واقع هر واحد عمل - عکس‌العملی نیاز به درگیر شدن و به تجربه (انگیزه) واحدهای

دیگر دارد. و اینگونه در پس رویدادهای مختلفی که هر لحظه اتفاق می‌افتند، کنشگران مجدداً به بازتولید گفتمان‌های ارتباطات انسانی علی‌الخصوص گفتمان‌های ارتباطات انسانی خانواده، می‌پردازند. و این فرآیندها مداوماً تکرار می‌شوند. البته این بدان معنا نیست که این فرآیند یک ارتباط خطی است و این مراحل برای رویدادها به شیوه‌ی خطی، پردازش می‌شوند. از آن گذشته رویدادها متوقف نمی‌شوند تا رویدادی نتیجه‌اش مشخص شود و رویداد دیگری اتفاق بیفتد. بلکه جریانی از فرآیندها مرتباً در حال پردازش می‌باشند. بسیاری از ایده‌ها و خلاقیت‌های ایجاد شده در گفتمان‌ها در مراحل نخستین از میان می‌روند. و بسیاری دیگر نیز در مراحل تبدیل شدن از حالت تلویحی به صریح، از میان می‌روند. و همچنین بسیاری از آنها توسط ساختارها محدود شده و از میان برده می‌شوند. با توجه به تمامی نکات بیان شده در فوق می‌توان بیان داشت که بسیاری از گفتمان‌های معرفتی و ارتباطی اینگونه خلق می‌شوند. همچنین چون در هر مرحله و گام از این فرآیندها خلاقیت و نوآوری عاملان یا کنشگران می‌تواند اتفاق بیفتد، بنابراین هر یک از این فرآیندها در درون خود حرکتی بازگشتی برای بازتولید خود دارند. بدیهی است بسیاری از گفتمان‌هایی که طی این فرآیندها تشکیل شده‌اند، در هر مرحله‌ای به دلایل بسیاری می‌توانند از میان بروند. و یا از میان آنها انتخاب گردیده و نظام‌مند گشته و ساختار یابند و وارد دستگاه‌های انتشار دهنده‌ی آنها یعنی انجمن‌های سخن، گروه‌های آئینی و تملک‌های اجتماعی گردند. باز هم بدیهی است که همه‌ی اینها در "زمینه" ای اتفاق می‌افتند. به مانند بورديو توجه به کل یک شبکه و ارتباطات آن مورد نظر است و ارتباط میان جایگاه‌های عینی درون زمینه مطمح نظر قرار می‌گیرد. اما همانگونه که بورديو نیز نشان داده‌است، برای مشخص کردن قواعد برقراری ارتباطات به شایستگی‌های ارتباطی هر یک از جایگاه‌ها توجه نموده‌است، و از آن به عنوان سرمایه نام برده و تفکیک چهار نوع سرمایه: اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین به عنوان سرمایه‌ی تشکیل گفتمان‌های ارتباطات انسانی مورد توجه قرار گرفته‌است.

بورديو برای اینکه نشان دهد که عوامل اساسی‌ای که تعیین کننده است تا چگونگی شکل‌گیری روابط میان عناصر و جایگاه‌های درون زمینه را مشخص نماید، "زمینه مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به کار می‌رود و مایه گذاشته می‌شود. بنابراین انواع سرمایه به عنوان هم موتور محرکه‌ی گفتمان‌ها و هم به عنوان عوامل محدود کننده آن مهم می‌باشد. به تعبیر دیگر گفتمان‌ها برای تغییر، بازتولید و غنی‌شدن نیازمند تغذیه می‌باشند و خوراک گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ای هستند که مورد استفاده قرار می‌گیرند. به تعبیر بورديو: " جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند، تعیین می‌کند. بورديو برای توصیف زمینه از یک تصویر نظامی استفاده می‌کند و آن را به عنوان پهنه‌ی «جایگاه‌های استراتژیک و دژهای دفاعی و تسخیر شده در صحنه نبرد» توصیف می‌کند. (۱۹۸۴: ۲۴۴). این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت گیرد. بورديو معمولاً از چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید. معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی که از پهنه‌ی اقتصادی سرچشمه می‌گیرد، البته آشکار است. سرمایه‌ی فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را در بر می‌گیرد. سرمایه‌ی اجتماعی در برگیرنده‌ی روابط اجتماعی ارزشمند میان آدم‌هاست. سرمایه‌ی نمادین از شأن و

حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد. " (همان: ۷۲۵) خانواده به عنوان یک پیکر برخوردار از روح اندام- وارگی (و از این حیث، برخوردار از امکان فراهم آوردن الگوی نمونه‌ی معیار برای تمامی گروه‌های اجتماعی که همچون یک پیکر عمل می‌کند محکوم دو نظام از نیروهای متناقض است: از یک سو نیروهای اقتصادی که تنش‌ها، تناقض‌ها و کشمکش‌هایی را که به آن اشاره کردم، به راه می‌اندازند، اما البته در بعضی زمینه‌ها، مقتضی نوعی همبستگی هم هستند، و از دیگر سو نیروهای همبستگی که در قسمت‌هایی به این واقعیت گره خورده‌اند که بازتولید سرمایه در اشکال مختلف آن، تا حدود زیادی، به بازتولید وحدت خانوادگی وابسته است. این قضیه خصوصاً در مورد سرمایه‌ی نمادین و سرمایه‌ی اجتماعی اولیه که همان خانواده باشد، صحت دارد. " (بوردیو، ۱۳۸۰: ۲۶۳) و همچنین "خانواده، علی‌رغم تمامی نیروهای منشعب کننده‌ای که روی آن اعمال فشار می‌کنند، باز هم محل انباشت، حفظ و بازتولید انواع مختلف سرمایه باقی می‌ماند. " (بوردیو، ۱۳۸۰: ۲۶۳) یک خانواده‌ی بسیار بزرگ یک سرمایه‌ی بسیار متنوع دارد، به قسمی که به شرط این که همبستگی خانوادگی دایم شود، بازماندگان این گونه خانواده‌ها در حوادث ویرانگر، می‌توانند در تعمیر و احیای سرمایه‌ی جمعی به همدیگر معاونت کنند. " (همان: ۲۶۴). بنابراین خانواده نه تنها در جامعه به بازتولید انواع سرمایه در اشکال مختلف آن می‌پردازد بلکه انواع سرمایه‌ی خوراک گفتمانی خود را نیز بازتولید می‌نماید.

به عبارت دیگر خانواده، سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین خانواده را نیز نه تنها تولید که انباشت، حفظ و بازتولید می‌نماید. از آنجائی که گفتمان‌های ارتباطات انسانی خانواده را به عنوان اساس ارتباطی به جای عواملی مانند سن و جنس و تحصیلات و .. در نظر گرفته‌ایم بنابراین می‌توان به گفتمان‌های بازتولید سرمایه‌ی اقتصادی، گفتمان‌های بازتولید سرمایه‌ی فرهنگی، گفتمان‌های بازتولید سرمایه‌ی اجتماعی و گفتمان‌های بازتولید سرمایه‌ی نمادین ارتباطی خانواده اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

این مدل SECI فرآیندهای پویای تکامل خود را توصیف می‌کند. افراد یا گروه‌ها ورای معرفت محدود خودشان می‌توانند پیشرفت کنند. هر تبدیل در این فرآیند یک رخداد رفتاری و عکس- العمل، می‌تواند درک بشود. به عنوان مثال اجتماعی شدن به تعامل رفتاری و تفکر معرفت تلویحی احتیاج دارد. و بیرونی‌سازی تأکید بر تعامل درون گروه‌ها و گفتمان‌های متقابل انعکاسی، ترکیب بر فراگیری و عکس‌العمل دارد. و هست بودن (ساخت) به رفتار و انعکاس آن، برای حفظ معرفت درونی شده نیاز دارد. در واقع هر واحد عمل- عکس‌العملی نیاز به درگیر شدن و به تجربه (انگیزه) واحدهای دیگر دارد. و اینگونه در پس رویدادهای مختلفی که هر لحظه اتفاق می‌افتند، کنشگران مجدداً به بازتولید گفتمان‌های ارتباطات انسانی علی‌الخصوص گفتمان‌های ارتباطات انسانی خانواده، می‌پردازند. و این فرآیندها مداوماً تکرار می‌شوند. البته این بدان معنا نیست که این فرآیند یک ارتباط خطی است و این مراحل برای رویدادها به شیوه‌ی خطی، پردازش می‌شوند. از آن گذشته رویدادها متوقف نمی‌شوند تا رویدادی نتیجه‌اش مشخص شود و رویداد دیگری اتفاق بیفتد. بلکه جریانی از فرآیندها مرتباً در حال پردازش می‌باشند. بسیاری از ایده‌ها و خلاقیت‌های ایجاد شده در گفتمان‌ها در مراحل نخستین از میان

گفتمان های دانش در ارتباطات انسانی خانواده

می‌روند. و بسیاری دیگر نیز در مراحل تبدیل شدن از حالت تلویحی به صریح ، از میان می‌روند. و همچنین بسیاری از آنها توسط ساختارها محدود شده و از میان برده می‌شوند. با توجه به تمامی نکات بیان شده در فوق می‌توان بیان داشت که بسیاری از گفتمان‌های دانش (معرفتی) و ارتباطی اینگونه خلق می‌شوند. چگونگی عملکرد این گفتمان‌ها در مقاله‌ی دیگری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

منابع

منابع فارسی

- ۱- بوردیو پی.یر. (۱۳۸۰). نظریه کنش، دلایل عقلی و انتخاب عقلانی . . ترجمه: مرتضی مردیها. انتشارات نقش و نگار. تهران.
- ۲- ریتزر جورج. (۱۳۸۴). نظریه‌ی جامعه شناسی در دوران معاصر. . ترجمه: محسن ثلاثی. انتشارات علمی. تهران.
- ۳- ساروخانی باقر. (۱۳۸۳). اندیشه های بنیادین علم ارتباطات. انتشارات خجسته. تهران.
- ۴- ساروخانی باقر. (۱۳۸۶). جامعه شناسی ارتباطات. انتشارات اطلاعات. تهران.
- ۵- ساروخانی باقر. (۱۳۸۴). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. انتشارات سروش. تهران.
- ۶- فوکو میشل. (۱۳۸۶). اراده به دانستن . نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. نشر نی . تهران.
- ۷- فوکو میشل. (۱۳۸۸). پیدایش کلینیک، دیرینه شناسی ادراک پزشکی. . ترجمه: یحیی امامی. انتشارات نقش و نگار. تهران.
- ۸- فوکو میشل. (۱۳۸۷). تاریخ جنون در عصر کلاسیک . . ترجمه: فاطمه ولیانی . نشر هرمس. تهران.
- ۹- فوکو میشل. (۱۳۷۸). مراقبت و تنبیه، تولد زندان. . ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. نشر نی . تهران.

منابع انگلیسی

- Eisenstadt. S N, Helle. H J; MACRO Sociological theory; SAGE; USA; ۱۹۸۵.
- Eisenstadt. S N, Helle. H J; MICRO Sociological theory; SAGE; USA; ۱۹۸۵.
- Forte J.; *Human Behavior and The Social Environment*; Thomson Books/Cole; United state; ۲۰۰۷.
- Giddens Anthony; *Sociology*; Second Edition; Macmillan Education publication; London; ۱۹۹۰.
- Hamilton peter; Talcott Parsons; Ellis Horwood publication; London; ۱۹۸۳.
- Hill. A, Watson. J, Rivers. D, Joyce. M; *Key Themes in Interpersonal Communication*; McGraw-Hill; London; ۲۰۰۷.
- Moore. J.T , M. Asay . S; *Family Resource Management*; SAGE Publication; London; ۲۰۰۸.
- Motley Michael T.; *Studies in Applied Interpersonal Communication*; SAGE Publication; London; ۲۰۰۸.
- Motley Michael.T; *Studies in Applied Interpersonal Communication*; SAGE; London; ۲۰۰۸.
- Newman D.; *Families, A Sociological Perspective* ; McGraw-Hill; United state; ۲۰۰۹.
- Pusey Micheal; Jurgen Habermas; Ellis Horwood publication; London; ۱۹۸۷.
- Sales. A, Fournier. M; *Knowledge Communication & Creativity*; SAGE Publication; London; ۲۰۰۷.
- Schroeder E.; *Family and Personal Relationships*; McGraw-Hill; United state; ۲۰۰۸.
- Scott J. and others; *The Sociology of Families*; Blackwell Publishing; Australia; ۲۰۰۷.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره چهل و دوم، پاییز ۱۳۹۳

-Baker L. ; Doing Social Research; McGRAW- Hill; London; ۱۹۸۸.